ایران

روایتی واقعی از مواجهه با یک کلاهبرداری تمیز قالیشویی

اعتماد شویی

گزارش

حمیده امینی‌فرد
خبرنگار

حول و حوش سال‌های ۷۹-۷۸ بود. آن وقت‌ها صفحه نیازمندی‌های روزنامه‌ها برای اغلب ما از نان شب هم واجب‌تر بود. از خانه و ملک گرفته تا حتی یک چاه بازکن حرفه‌ای را هم از لای ورق‌های همین روزنامه‌ها پیدا می‌کردیم.

دورانی که خبری از شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات عجیب و غریب سفارش‌دهنده‌ها نبود. خودمان بودیم و یک دکه روزنامه فروشی که اگر شانس با ما یار بود، نیازمندی‌ها روی دکه می‌ماند و اگرهم که نه! باید چند روز صبر می‌کردیم تا بلکه یک نفر، صفحات به درد نخور نیازمندی‌های روزنامه را برای سبزی فروش محله بیاورد و ماهم در این فاصله خودمان را برای «آقای جعفری» عزیز می‌کردیم تا دلش به رحم آمده و چند صفحه دست نخورده سالم را برایمان کنار بگذارد...آن روزها ما دلمان به همین صفحات نیازمندی‌ها خوش بود. به هر کدام از ستون‌های آگهی، بیشتر از چشممان اعتماد می‌کردیم و حتی اگر می‌شنیدیم که یک نفر مثلاً در دام کلاهبرداری افتاده یا یک آگهی، دروغ از آب درآمده، با خودمان می‌گفتیم که لابد شماره تلفنی نداشته، یا آدرسی در کار نبوده....و خلاصه به هر بهانه و توجیه و حرف و حدیثی متوسل می‌شدیم تا مبادا یک روز اعتمادمان را به همین یک باکس آگهی از دست بدهیم. درهمان سال‌ها، در نزدیکی‌های نوروز بازار آگهی‌های تبلیغاتی کسب و کارها بیش از همیشه رونق داشت.

در آن شلوغی‌ها برای پیدا کردن صفحات نیازمندی باید از خواب گرم و نرممان می‌زدیم تا بلکه زودتراز رقبا به دکه برسیم.البته همان وقت‌ها هم برخی‌ها با دکه‌ای‌ها می‌بستند تا بدون زحمت صاحب یک صفحه نیازمندی شوند و عده‌ای هم مثل ما به شراکت رضایت می‌دادند تا هرکس بخش مورد علاقه یا نیازش را بردارد و مابقی بین دیگران تقسیم شود... ماجرای شستن فرش‌های ما هم به همان وقت‌ها برمی‌گردد. روزی که صبح‌اش با یکی از صفحات همین نیازمندی‌ها آغاز شد و البته تا سه روز بعد ازآن هم حال ما همچنان خوب بود و اما بعد...

درج آگهی سرقت

تقریباً هفته اول اسفند بود که تصمیم گرفتیم بعد از سال‌ها بالاخره به شستن فرش‌های دستباف هزار شانه کاشانی‌مان رضایت دهیم. آن زمان‌ها البته خرید یک جفت فرش دستباف ایرانی آنچنان رؤیایی نبود، اما برای خرید همان هم باید پول خوبی می‌پرداختید. رضایت اولیه‌مان که جلب شد، بالاخره پرس و جوها برای انتخاب یک قالیشویی معتبر که هم فرشمان را سالم برگرداند وهم برگرداند! آغاز شد... چند روز بعد گذرمان به یکی از همین صفحات نیازمندی‌ها افتاد. به قسمت نیازمندی‌های بخش خدمات که رسیدیم، چشممان که به قالیشویی‌ها افتاد، تازه دوزاری‌مان افتاد که بله در همین دور و برما حدود چند ده قالیشویی بزرگ و اسم و رسم دار وجود دارد که ما ظاهراً ازآنها بی‌خبر بودیم. درهر صفحه تقریباً ۱۲-۱۰ آگهی ریز و درشت قالیشویی‌هایی وجود داشت که رد هرکدامشان را که می‌گرفتیم به اعتباری می‌رسیدیم که ۳۰ سال تجربه پشت آنها خوابیده بود! با همین حساب و کتاب‌ها ما به سراغ بزرگ‌ترین آگهی صفحه رفتیم که شعارش «اعتماد و تجربه ۴۰ سال کار مداوم قالیشویی» بود. ما با همین تصورات و خیالات تصمیم گرفتیم به بزرگ‌ترین آگهی اعتماد کنیم که ظاهرش نشان می‌داد اگر مکر و حیله‌ای هم در کار باشد، کسی جرأت نمی‌کند تا درست وسط صفحه و با این خط درشت و به قولی تابلو، به دنبال طعمه هایش برود.اگرچه برای اطمینان بیشتر به صفحات دیگر نیازمندی‌ها هم سری زدیم و خوشبختانه درهر صفحه، نام و نشانی آگهی مورد اشاره ما پیدا می‌شد. با این حال اعتمادمان وقتی بیشتر شد که ۱۰ خط تلفن ثابت هم زیر آگهی درج شده بود و با هرخطی که تماس می‌گرفتیم، یک خانم خوش برخورد با لحن ملایمی به ما اطمینان می‌داد که فرش ما درکمترین زمان ممکن و با کیفیت به دستمان می‌رسد. ما هم که به خیال خودمان تمام راه‌های دررو را بسته‌ایم، تصمیم گرفتیم بالاخره سفارشمان را نهایی کنیم.

> نگاه‌مان به ظاهرآگهی البته برایمان ساده تمام شد، اما ارزان نه! آن وقت‌ها خبری از صفحات پر زرق و برق آگهی‌ها و تبلیغات فریبنده فروشنده‌ها نبود. یک صفحه سیاه و سفید و با حاشیه‌ها و رنگ و لعاب قرمزتمام آن چیزی بود که فکر می‌کردیم برای یک شاهکار تبلیغاتی کافی است

ساده بود، ارزان نه!

نگاهمان به ظاهر آگهی البته برایمان ساده تمام شد، اما ارزان نه! آن وقت‌ها خبری از صفحات پر زرق و برق آگهی‌ها و تبلیغات فریبنده فروشنده‌ها نبود. یک صفحه سیاه و سفید با حاشیه‌ها و رنگ و لعاب قرمزتمام آن چیزی بود که فکر می‌کردیم برای یک شاهکار تبلیغاتی کافی است.یک روز بعد، با یک تماس فوری از آمدن وانت قالیشویی به در خانه‌مان مطلع شدیم. برای اطمینان بیشترو مثلاً اینکه بله ما هم این کاره‌ایم، برای استقبال تا جلوی در رفتیم و خوشبختانه دیدیم که پشت وانت آبی رنگی که آرم قالیشویی معروف روی بدنه آن با خط درشتی حک شده، حدوداً ۱۲-۱۰ قالی و قالیچه دستباف معمولی و ابریشمی، چیده شده، نفس راحتی کشیدیم و به خیال آنکه دیگرانی هم قبل از ما فکر همه جایش را کرده‌اند، خودمان را به دست دو مردی سپردیم که با احترام و لبخند مشعوفی تا بالاهمراهی‌مان کردند.از آنجا که اندازه فرش‌ها بزرگ و سنگین بود، بعد از گپ و گفت کوتاهی که از وضعیت شلوغی سرسام آور نزدیک عید داشتیم و البته بعد از صرف شیرینی و چای، خودمان هم دست به کار شدیم و با دو بزرگوار قالی‌ها را آنچنان محکم پیچیدیم که گویی ما قالی‌شو هستیم و آنها مشتری! بعد هم برای اینکه خلق‌الله زحمت زیادی روی دوش‌اش حس نکند، سر فرش‌ها را گرفتیم و تا پایین درخانه همراهی‌شان کردیم و بعد هم برای فاکتوری که همه جایش مهر و نشان قالیشویی بود، یک مبلغ ناقابل بیعانه گذاشتیم و تمام! درهمین فاصله چشممان به جمال همسایه عزیزمان هم روشن شد. آقای رحمانی همسایه طبقه پایینی هم از فرصت پیش آمده، استقبال کرد و برای اینکه به قول خودش زرنگی کند، دست یکی از مردها را گرفت و سه قالیچه دستباف اعلا را برای شست و شو به دست آنها سپرد...ماجرای قالیشویی ما البته اینجا تمام نمی‌شود. سه روز طاقت فرسا که قرار به آمدن فرش‌ها بود، در چشم بهم زدنی گذشت.ما که خودمان را برای چیدن فرش‌های تمیز آماده کرده بودیم، وقتی خبری از فرش‌ها نشد، با اولین شماره تماس گرفتیم. خانمی از پشت خط با لحن کمی مضطرب اطمینان داد که فرش‌ها تا یک روز دیگر به دستمان می‌رسد، اما یک روز، دو روز و بالاخره چهار روز گذشت و خبری از فرش‌ها نشد.کم کم هیچ شماره‌ای پاسخگوی تماس‌هایمان نبود. تا اینکه بالاخره یکی از شماره‌ها جواب داد و با حالتی عصبانی و طلبکارانه گفت که شماره‌اش را به قالیشویی اجاره داده و از جزئیات کارآنها هیچ اطلاعی ندارد. ما که دیگر حالا باورمان شده بود که حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است، تصمیم گرفتیم حضوراً به آدرسی برویم که زیر آگهی درج شده بود.در این مدت البته تمام اخم و تخم‌ها و بی‌محلی‌های آقای همسایه را هم به جان خریدیم.

اعتماد به اتحادیه‌ها به جای اعتماد به آگهی‌ها

به آدرس معروف که رسیدیم، ظاهراً چند روز پیش همه فرش‌ها را بار زده بودند و بدون انکه کسی شک کند، سوله را تحویل داده و رفته بودند. همان زمان برای شکایت به نزدیک‌ترین پاسگاه نیروی انتظامی رفتیم و تازه متوجه شدیم که مالباخته‌های زیادی مثل ما درگیر این ماجرا شده‌اند، مثل پیرزنی که می‌خواسته قالیچه ابریشمی گرانبهایش را شسته و برای پسرش به خارج از کشور بفرستد، یا فردی که دو جفت تابلو فرش نفیس برادرش را بدون اطلاع او برای شست و شو تحویل داده، برای ما این تجربه البته دردناک‌تراز دیگران بود، چراکه مجبور بودیم، عذاب وجدان فرش‌های آقای همسایه را هم تا چند ماه، با خود حمل کنیم.

تقریباً ۷ سال از این ماجرا گذشت. یک روز با یک شماره تلفن عجیب به همان پاسگاه فراخوانده شدیم تا چهره سارقان را شناسایی کنیم. ما که سال‌ها تلاش کرده بودیم تا خاطره آن روزهای سخت را هضم کنیم، به هر خاطره‌ای متوسل شدیم، نتوانستیم چهره هیچ کدامشان را به یاد بیاوریم. تنها کاری که از دستمان برآمد، سپردن ادامه شکایت به نیروی انتظامی بود. ظاهراً سارقان هیچ پولی در چنته نداشتند و تنها مجازاتشان همان ماندن در زندان بود که برای ما هیچ فرشی را زنده نمی‌کرد. این ماجرا البته باعث نشد که ما بی‌خیال آگهی‌های تبلیغاتی شویم. حالا اگرچه از آن صفحات حوصله سر بر نیازمندی‌های روزنامه‌ها خبری نیست، اما به جای آنها، هزاران پیج پر سروصدای جذاب و خوش آب و رنگ راه افتاده که کار سفارش هر کالا یا خدماتی را برایمان سخت‌تر کرده است، اعتماد به اتحادیه‌ها در هر صنفی شاید بهترین راهکار برای مواجهه با خدماتی باشد که ما از تشخیص درستی یا نادرستی آن عاجزیم.

جدول سودوکو ۴۴۳۸

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

	۲	۶		۵				۳
	۳				۴			
			۳	۶	۹	۴	۷	
		۸		۳	۱	۷	۲	
	۷	۱				۳	۶	
	۶	۹	۷	۲		۵		
	۵	۳	۸	۱	۶			
			۴				۱	
۶				۹		۸	۳	

متوسط

	۵		۳	۷				۲
			۹				۴	
۷		۶			۲			۱
۶			۸	۱		۹		
	۴			۹			۱	
		۲		۵	۳			۸
۱			۴			۸		۷
	۶				۹			
۵				۶	۸		۳	

سخت

۷	۵		۲				۸	
		۹			۶			
۴		۲		۳				
			۶		۷	۸		
	۱						۶	
		۸	۵		۴			
				۵		۴		۸
			۳			۱		
	۳				۱		۷	۶

خیلی سخت

۵				۱		۹		
				۲			۵	۳
		۲	۹					۱
	۲		۴					
	۳	۸				۴	۶	
					۸		۹	
۷					۲	۱		
۸	۶			۹				
		۳		۴				۵

حل جدول سودوکو شماره ۴۴۳۸

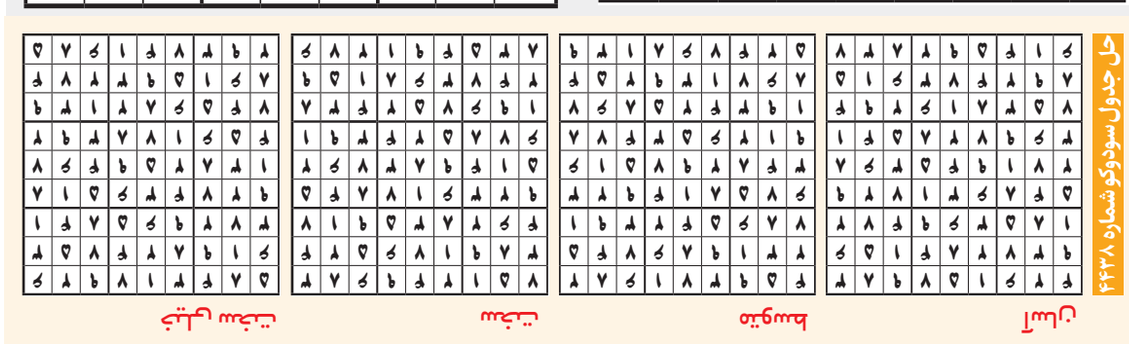

یک جدول با دو شرح ۸۴۰۷

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- سوار نیست! - بخش بخش کردن
۲- رهاورد برف و سرما برای جاده‌ها - واحد پول «فیلیپین» - جیران
۳- کشتی خشن - نوعی از پخت برنج - برشته شده - تنها شهر دنیا که یک کشور را در خود جای داده است
۴- زاری - همان یقه - چربی گوسفند
۵- آزاد - دیو می‌کشد و بالا می‌رود - کارکنان
۶- مرتبه اول - خنک، سرد - ممنوع شده
۷- این بیماری در مناطق گرمسیری قاره آفریقا شیوع پیدا می‌کند - دارنده - از حبوب
۸- علفخواری با ریش دراز - ورزش المپیکی - طلا
۹- باقی جان - کشف کننده - جامه‌ها
۱۰- ماه سریانی - کشوری جزیره‌ای در اقیانوس هند - بلدرچین
۱۱- بهنجار - از حبوب خوراکی - مخفف نیکو
۱۲- نسبت ناروا - بهره وام - بازگشت
۱۳- ویتامین کیوی - ینگه‌دنیایی - چراغ آسمان - عصب
۱۴- مطیع - چغندر پخته - دستگیری
۱۵- جاذبه دیدنی چابهار - برادر و خواهر غیر هم‌خون

عمودی:

۱- گردش گروهی - تخت روان بیمار
۲- سردخانه خانگی - شهر «ترکیه» - دوست
۳- عصاره میوه - زبانه آتش - قد و بالا - فرمانده بدن
۴- وسیله‌ای در خودرو - محدب - مسافر
۵- خراب کردن - کسی را مالک چیزی کردن - سرشار
۶- شریعت، کیش - مرموزترین بیماری قرن - ساز پوستی
۷- درجه صدا - نیک و پسندیده - سرازیری - نمی‌بیند
۸- بازیگر فیلم «فسیل» (روی پرده سینما)
۹- وسیله دفاعی قدیم - واهمه - کنیه - ریشه
۱۰- دومین خلیفه دودمان اموی - زمینی مثلثی شکل که از آبرفت رودخانه پدید می‌آید - شتر بی‌کوهان
۱۱- جمع مانع - ماهی کنسروی - گاز اتمسفر
۱۲- استعداد - از گناهان بزرگ - تقدیم جوایز!
۱۳- بوی ماندگی - خراب و ویران‌کننده - اقامت گزیدن - اسب آذری
۱۴- روزگار - دکان - لباس زمستانی
۱۵- روز قیامت - قالب شعر «فایز دشتی»

جدول ویژه

افقی:

۱- راهنمایی کردن - سریال شبکه دو با حضور سید جواد هاشمی
۲- نام قدیم خرم‌آباد - بی‌قانون - سرحد دار
۳- حرف صلیب - نقطه برخورد دو دیوار زاویه‌دار - رایانامه - کچل
۴- فیلم امیرآقایی - بند استخوان - بازشناسی
۵- اسیر کردن - توافق نهایی هسته‌ای - دستگاه تهویه
۶- ده واحد از چیزی - با انصاف - ویرایش
۷- گمشده انسان معاصر! - هیأت مدیره - در آن غوطه وریم
۸- گیره مو - ثمره درخت بنه یا پسته وحشی - سکونتگاهی در «مجارستان»
۹- خوب و خوش - درخشان - غوغا
۱۰- کشور آفریقایی - علاوه بر این - صفت چای
۱۱- عددی ترتیبی - مجمع - دو جزیره کوچک و بزرگ
۱۲- رنگی است مانند حنا - بعید و بافاصله - از طبقات ساختمان
۱۳- سیب‌زمینی ندارد! - قسمی چراغ - خروس مازنی - همانند
۱۴- الگو - زینت - داستان کوتاه «کازوئو ایشیگورو»
۱۵- از آثار ملاصدرا - در زمستان می‌پوشیم

عمودی:

۱- فیلم قاسم جعفری - آبراه خاورمیانه
۲- کشور «وینتیان» - رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه - سائل
۳- از ویتامین‌ها - بالای خانه - ورزش نفسگیر - دشمن سخت
۴- علم غیراکتسابی - زنبور کارتونی - انقلابی هند
۵- توانایی - اشاره به چیزی نامعلوم - مسکن‌ها
۶- قشون - سرعت - بانی درمان منطقی هیجانی
۷- ضمیر غایب - غیر عرب - کتاب از «مریلین رابینسون» - کلرا
۸- اثر دیدنی «خلیل‌آباد» خراسان رضوی
۹- شاعر معاصر - نگهداری شده - بدگویی کردن - تردید
۱۰- تعمیر - گروه هم‌مسلک - یار «منظم»
۱۱- گوهر یکتا - بهترین ورزش - رنگ ناخن
۱۲- موسیقی هرمزگان - جوان - سریالی با هنرنمایی «نوآ تیلور»
۱۳- کالای نو درون کارتن - متولد شده - از اعداد ترتیبی - قرص
۱۴- سنگ خرد - شهر «ژاپن» - ...مکن چرخ نیلوفری را
۱۵- شهر ایالت «هسن» آلمان - پیست

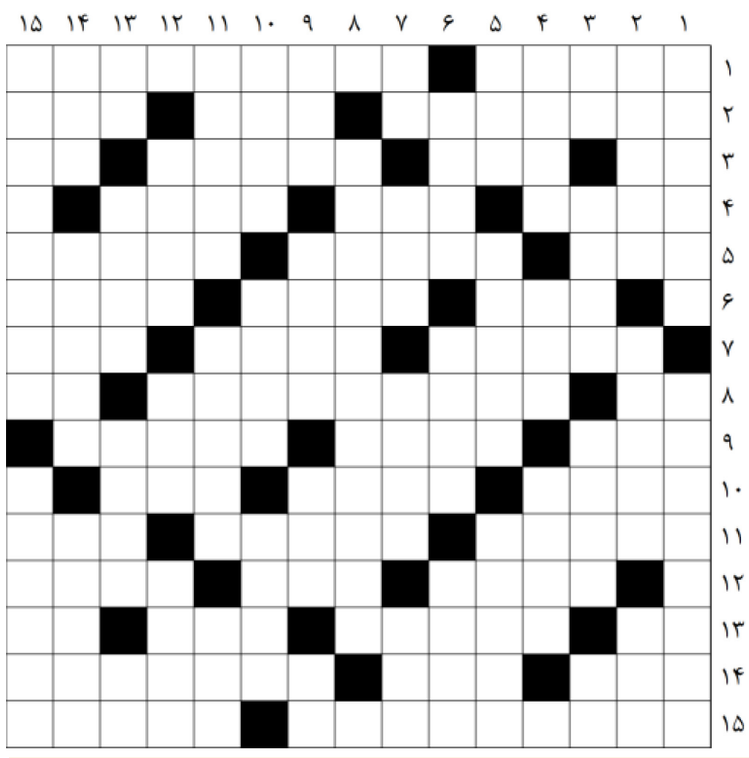

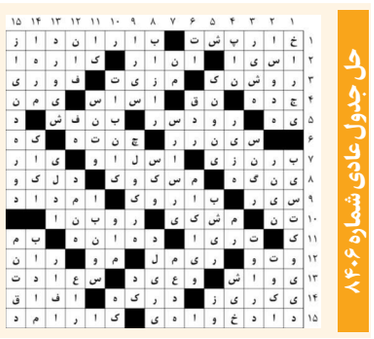

حل جدول عادی شماره ۸۴۰۶

حل جدول ویژه شماره ۸۴۰۶